

نقد و بررسی ترجمه آلمانی قرآن، متعلق به فرقه قادیانیه با استناد به سوره حمد

محمدحسین حدادی*

استادیار زبان آلمانی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

فرح نارنجی**

دانشجوی دکتری آموزش آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۲۵، تاریخ تصویب: ۸۸/۱۱/۱۴)

چکیده

قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع دینی مسلمانان، همواره کانون توجه دانشوران مسلمان و غیرمسلمان بوده است و تاکنون مترجمان بسیاری، با اهداف و اغراض متفاوت، دست به ترجمه آن زده‌اند. در مقاله حاضر، ضمن بیان عقاید و اهداف فرقه قادیانیه، یکی از ترجمه‌های آلمانی قرآن این جنبش را که تحت نظارت میرزا بشیرالدین محمود احمد، خلیفه دوم فرقه قادیانیه، صورت گرفته است، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مترجم با وجود تسلط به زبان عربی و حفظ امانت‌داری در برگردان واژه‌ها، از طریق مقدمه‌ای طویل و نیز عنوان سوره، افکار و عقاید خویش را به خواننده تحمیل کرده است. در بررسی ترجمه آیات قرآن که با استناد به سوره حمد انجام شده، راهکارهایی برای ترجمه بهتر قرآن ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، ترجمه تحت‌اللفظی، نقد، قادیانیه، راهکار.

* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۰۳، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: mhaddadi@ut.ac.ir

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۰۳، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: fnarendji@yahoo.de

مقدمه

ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی از سده ۱۱م. آغاز شد و در سده ۱۸م. مراحل تکامل خود را پیمود. این ترجمه‌ها که می‌توانست در سطحی محدود، قرآن و اسلام را به اروپاییان بشناساند، به دور از گرایش‌ها و تعصبات مذهبی نبوده است. ترجمه‌هایی که به دلیل اهداف ملی‌گرایانه و یا فرقه‌گرایانه انجام شده و یا ترجمه‌هایی از قرآن که توسط خاورشناسان و هیأت‌های تبلیغی اروپاییان با انگیزه مجادله صورت گرفته است، شاهدهی بر این مدعاست.

یکی از بارزترین عملکردهای فرقه قادیانیه، فعالیت‌های گسترده‌اش در شناساندن اصول اعتقادی خود به مردم و نیز چاپ آثار و افکار خود به زبان‌های مختلف است. پس جای تعجب نیست که آنان از قرآن به عنوان منبع اصلی شناخت اسلام، برای نیل به اهداف تبلیغاتی‌شان استفاده کنند.

اولین مترجم قرآن این فرقه مولانا محمد علی معروف به لاهوری است که ترجمه‌اش در سال ۱۹۱۷م. به زبان انگلیسی منتشر شد. «در سال ۱۹۲۵، شاخه لاهوری فرقه احمدیه کوشید تا این ترجمه را با عنوان "*The Holy Quran*" در مصر توزیع کند، اما علمای الازهر دستور توقیف آن ترجمه را صادر و با صدور فتوایی توزیع آن را در مصر ممنوع اعلام کردند. آنان این ترجمه را مغایر با تعالیم قرآنی و اسلامی قلمداد کردند. به تعبیر آنان این ترجمه سعی داشت اسلام را از درون ویران سازد» (محمد ابوشعیخ ۱۰۰).

از این تاریخ به بعد فرقه قادیانیه ترجمه‌های دیگری از قرآن به زبان‌های مختلف منتشر کرد. یکی از این ترجمه‌ها، ترجمه آلمانی زبان قرآن میرزا بشیرالدین محمود احمد فرزند غلام احمد بنیانگزار فرقه قادیانیه است. اهمیت این ترجمه از آن روست که در مقدمه آن اهداف و عقاید فرقه قادیانیه به وضوح بیان شده است.

جستار حاضر در نظر دارد در کنار نقد آلمانی قرآن، اهداف این فرقه را در مقدمه ترجمه مورد بررسی قرار دهد.

بحث و بررسی

۱. فرقه قادیانیه

قادیانیه یا احمدیه نام جنبشی است که در سال ۱۸۹۸م به وسیله شخصی به نام میرزا غلام احمد در هندوستان پایه‌گذاری شد. غلام احمد در سال ۱۸۳۹ در شهر کوچک قادیان در

ایالت پنجاب هندوستان به دنیا آمد. «پدرش غلام مرتضی از کارگزاران حکومت انگلیسی هند بود و روابط صمیمانه‌ای با آنان داشت و خدمات ارزنده‌ای نیز به دولت انگلیس انجام داده بود. از جمله این خدمات می‌توان به کمک‌های مالی وی به دولت بریتانیا برای سرکوبی قیام مردم هند علیه استعمار انگلیس اشاره کرد که این مطلب را خود قادیانی‌ها نیز تأیید کرده‌اند» (فرمانیان ۱۵۹).

غلام احمد پس از تکمیل تحصیلات دینی به قادیان بازگشت و در پوشش واعظی محلی برای دفاع از اسلام علیه مبلغان مسیحی در مباحثات شرکت و از این طریق جایگاه خود را به عنوان حامی و مروج اسلام در بین مسلمانان تثبیت کرد. از این زمان به بعد، چرخش افکار غلام احمد به سمتی بود که بعدها باعث اختلافات زیادی بین قادیانیه و مسلمانان شد. وی در سال ۱۸۸۹ به دنبال ادعای خواب‌نما شدن و دیدن چند رؤیا اعلام کرد که به او وحی نازل و از جانب خدا به رهبری مردم برگزیده شده است و مجاز به گرفتن بیعت از آنان است. او دو سال بعد، پس از آن که توانست عده‌ای مرید را به گرد خود جمع کند، ادعا کرد که او تجلی مسیح (ع) است. وی در این زمان به غیر از این که خود را مسیح موعود معرفی کرد، خود را مهدی موعود مسلمانان نیز نامید و مردم را به سوی خود فرا خواند. از این تاریخ تا زمان مرگ، غلام احمد به طور مرتب بر ادعاهای خود افزود تا این که خود را تجسم دوباره ختمی مرتبت نامید و ادعای پیامبری کرد و گفت علم غیب دارد و «صاحب معجزه و کراماتی مثل زنده کردن مرده‌هاست و حتی قادر است با دعا و نفرین به درگاه خداوند، مخالفان و رقبای خود را از بین ببرد» (اسمیت ۳۰۱).

دولت‌های استکباری هر وقت بر کشوری تسلط می‌یافتند، با مطالعه فرهنگ آن جامعه، افرادی به ظاهر مرتبط با آن فرهنگ را تحریک می‌کردند تا با ادعاهای تازه و با عناوینی مانند اصلاح فرهنگی جامعه و ...، همان فرهنگی را که خود می‌خواستند در آن کشور رواج دهند، منتها خود در پس پرده به حمایت از این افراد خود فروخته بر می‌خواستند. برای همین، وقتی دولت انگلیس بر کشور هند سیطره یافت و انواع ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها را بر مردم آن کشور روا داشت، عده‌ای از مسلمانان با تمسک به قرآن کریم، پرچم مبارزه با حکومت و نیروهای انگلیسی را برافراشتند. دولت انگلیس هرچند در ظاهر، این مبارزه را سرکوب کرد، ولی می‌دانست که مسلمانان از پای نخواهند نشست. بنابراین به فکر افتاد تا از دست نشاندگی برای ضربه زدن به این اعتقاد راسخ مسلمانان، حمایت کند و کاری کرد که مسلمانان به جای مبارزه با انگلیس، علیه خویش‌نشدن دست به خونریزی بزنند و برای این هدف میرزا غلام احمد

را تحریک به آوردن دین جدید کرد و تا آخر از او حمایت نمود.

«آنچه روابط این جنبش با استعمار بریتانیا را آشکار می‌سازد، لغو حکم اسلامی «جهاد» توسط غلام احمد پس از ادعای پیامبری اوست. او معتقد بود که حکم جهاد مخصوص دوران صدر اسلام است، چرا که تعداد مسلمانان اندک بود و آنان برای حفظ جان خود ناگزیر به جنگیدن با مخالفان و کشتن آنان بودند، پس هرگز نباید دست به شمشیر برد و جهاد در عصر حاضر معنا ندارد» (ربانی گلپایگانی ۳۴۸). این فرقه تا آخرین لحظات در خدمت استعمار بریتانیا و در خیانت به مردم ستم‌دیده هند تلاش کرد و وابستگی کامل آن به بیگانگان برای همه به اثبات رسید، به عنوان مثال «میرزا غلام احمد در تفسیر آیه ۵۹ سوره نساء «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» می‌گفت که انگلیس همان اولی الامر است که خداوند اطاعتش را بر شما واجب کرده است و با این کار می‌خواست تفکر جهادی را از بین ببرد» (عاملی ۳۳).

پس از مرگ غلام احمد در سال ۱۹۰۸م. میرزا نورالدین بهیروی از شاگردان غلام احمد به عنوان جانشین و خلیفه اول فرقه قادیانیه معرفی شد. وی پس از شش سال رهبری فرقه، در سال ۱۹۱۴ درگذشت. پس از فوت وی در فرقه قادیانیه اختلاف و انشعاب پدید آمد. عده اندکی به محمد علی لاهوری روی آوردند که به انجمن لاهوری معروف شدند. محمد علی لاهوری دارای تألیفات زیادی از جمله ترجمه قرآن به زبان انگلیسی است. انجمن لاهوری معتقد است که غلام احمد هیچگاه ادعای پیامبری نکرد و تنها خود را مجدد دین اسلام معرفی کرد. اما اکثریت قادیانی‌ها ریاست میرزا بشیرالدین محمود احمد فرزند بیست و پنج ساله غلام احمد را پذیرفتند و بر اعتقاد به مهدویت و مسیح بودن غلام احمد باقی ماندند. مرکز این فرقه ابتدا در قادیان بود و بعد از تشکیل دولت پاکستان به این کشور منتقل و در روستای ربوه استقرار یافت. محمود احمد به عنوان خلیفه دوم قادیانیه تا سال ۱۹۶۵ به مدت پنجاه و یک سال رهبری این فرقه را بر عهده داشت.

بعد از آشنایی اجمالی با فرقه قادیانیه، اکنون یکی از ترجمه‌های آلمانی قرآن این فرقه که تحت نظارت میرزا بشیرالدین محمود احمد، به انجام رسیده است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

این ترجمه با عنوان قرآن مقدس (DER HEILIGE QUR-ÂN) در سال ۱۹۵۴ در شهر ویسبادن آلمان منتشر شده است. در ذیل عنوان، این عبارات نیز به چشم می‌خورد: عربی-آلمانی، به همراه مقدمه‌ای مشروح تحت نظارت حضرت میرزا بشیرالدین محمود احمد،

دومین خلیفه ناجی موعود (غلام احمد)، قطب جنبش احمدیه اسلام
Arabisch-Deutsch, versehen mit einer ausführlichen Einführung, unter der
Leitung von Hazrat Bashiruddin Mahmud Ahmad, zweiter Kalif des Verheissenen
Messias, Oberhaupt der Ahmadiyya-Bewegung des Islam

در این عبارات چند نکته وجود دارد. نخست آن که، این ترجمه به دو زبان عربی و آلمانی نوشته شده، یعنی متن عربی قرآن در کنار ترجمه قرار گرفته است، دیگر آن که، انگیزه تبلیغی این جنبش از ترجمه قرآن حتی در عنوان ترجمه نیز به وضوح دیده می‌شود، اما مهم‌تر آن که «این فرقه خود را شاخه‌ای منشعب از دین اسلام می‌داند، هر چند که نهادهایی اسلامی مانند جامع‌الازهر مصر این گروه را خارج از دین اسلام و غیر مسلمان اعلام کرد، و در سال ۱۹۷۴ نیز بر اساس اصل ۲۶۰ قانون اساسی پاکستان، فرقه قادیانیه غیرمسلمان اعلام شد» (محمد ابوشعیش ۹۹). این مقاله به نقد و بررسی ترجمه حاضر بر پایه چند محور می‌پردازد.

۲. مترجم کیست؟

در این اثر نامی از مترجم آلمانی زبان قرآن برده نشده و هیأت تحریریه احمدیه (قادیانیه)، که نام آنها نیز ذکر نشده است، تنها از آقایان ماکس فرای هوفر (Max Freihofer) از زوریخ و دکتر مارتین آبل (Dr. Martin Abel) از هامبورگ، که به عنوان مشاوران زبانی و فنی، نکاتی را برای ترجمه بهتر قرآن ارائه داده‌اند، قدردانی کرده است. در هر حال این ترجمه با نام ترجمه قرآن میرزا بشیرالدین محمود احمد و یا ترجمه احمدیه شهرت دارد.

۳. انگیزه قادیانیه از ترجمه قرآن

این فرقه برای شناساندن اصول اعتقادی خود به مسلمانان و غیرمسلمانان، فعالیت‌های گسترده‌ای را با کمک چاپ و انتشار آثار فکری خویش به زبان‌های گوناگون انجام داده است، اما آنچه در این ترجمه جالب توجه است، مقدمه‌ای در ۱۶۰ صفحه است، که در آن محمود احمد به تعریف و تبلیغ درباره پدرش و نیز فرقه احمدیه پرداخته است. اما تبلیغ تنها انگیزه آنها نبوده است. اگر به دقت مقدمه این ترجمه را که از دو بخش تشکیل شده است، مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که وی در بخش اول با انتخاب عناوینی مانند: «آموزه‌های

توحش گونه عهد عتیق^۱ (Barbarische Lehren des alten Testamentes)، «آموزه‌های مغایر با عقل عهد عتیق» (Vernunftwidrige Lehren des alten Testamentes)، «تناقض‌گویی در عهد جدید» (Widersprüche im neuen Testament)، «خرافات در اناجیل اربعه» (Aberglauben in den Evangelien)، «آموزه‌های توحش گونه ودا» (Barbarische Lehren des Vedas) ... (احمد ۶۶-۳۷) تلاش کرده است تا ادیان یهودیت، مسیحیت و هندوئیسم (برهمایی) را به باد انتقاد بگیرد. در بخش بعدی مقدمه، ابتدا توضیحاتی درباره ویژگی‌ها و آموزه‌های قرآن، معجزات پیامبر (ص) و احکام اسلامی مانند «خمس»، «زکات» و غیره داده است و سپس در ذیل عنوان «احمد ناجی موعود» (Ahmad der verheissene Messias) به وضوح اعلام کرده است که ناجی موعود یعنی حضرت مهدی (عج) همان میزا غلام احمد، مؤسس فرقه احمدیه اسلام است که به او از جانب خداوند وحی نازل شد (احمد ۱۵۸) و در همان صفحه در اثبات ادعای پیامبری غلام احمد می‌گوید «زمانی که احمد مدعی شد به او از جانب خدا وحی نازل می‌شود، توفان مخالفت از همه سو علیه‌اش برخاست. هندو، مسلمان، سیک و مسیحی همه علیه او بسیج شدند. این مخالفت‌ها اثبات می‌کند که به بانی جنبش احمدیه به راستی وحی نازل می‌شده، چرا که فقط پیامبران راستین با چنین مخالفت‌هایی مواجه می‌شوند و باید با آن مبارزه کنند» (همان ۱۵۸). سپس میرزا بشیرالدین که خود را چنین معرفی می‌کند «من، پسر احمد، ناجی موعود و بنیانگذار فرقه احمدیه» (همان ۱۵۹) به شرح درباره فرقه قادیانیه و موقعیت خود به عنوان خلیفه دوم این فرقه می‌پردازد (ر.ک. همان ۱۶۱-۱۵۹).

۴. روش ترجمه قرآن قادیانیه

شیوه ترجمه این قرآن از نوع تحت‌اللفظی یا همگام است. «در این شیوه مترجم به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌ای از زبان مقصد را جایگزین کرده است. این گونه ترجمه بسیار دشوار است؛ زیرا یافتن کلمات همانند، با همان خصوصیات، در دو زبان مبدأ و مقصد کار آسانی نیست و بیشتر مترجمان به همین دلیل دچار اشکال فراوان شده‌اند. به علاوه در بیشتر موارد، این چنین ترجمه‌ها نمی‌تواند کاملاً اصل معنی را افاده کند و این، معلول نارسایی برخی

۱- کتاب مقدس یهودیان به سه بخش تقسیم می‌شود: «تورات»، «کتب انبیاء» و «نوشته‌ها». مسیحیان این مجموعه را «عهد عتیق» می‌نامند، که مورد تأیید یهودیان و مسیحیان است. عهد جدید نیز که همه مسیحیان بر آن توافق دارند، شامل انجیل‌های چهارگانه و سایر متون پایه‌ای مسیحیت است.
۲- ودا بر مجموعه کتب مقدس چهارگانه هندوان اطلاق می‌شود.

کلمات در زبان مقصد است که به طور کامل نمی‌تواند معنای کلمات زبان مبدأ را ایفا کند» (معرفت ۱۸۴).

۵. برابرگزینی / معادل‌یابی

در این قسمت معادل‌های انتخابی در سوره حمد مورد بررسی قرار می‌گیرند، اما پیش از آن ترجمه کامل سوره آورده می‌شود:

Sure 1

AL-FÂTIHA

1. Teil

سورة الفاتحة مكية

(offenbart vor der Hidschra)

- | | |
|--|--|
| 1. Im Namen Allahs, des Gnädigen, des Barmherzigen. | بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم |
| 2. Preis sei Allah, dem Herrn der Welten, | الحمد لله ربَّ العالمين |
| 3. Dem Gnädigen, dem Barmherzigen, | الرَّحْمَن الرَّحِيم |
| 4. Dem Herrscher am Tage des Gerichts. | مالك يوم الدِّين |
| 5. Dir allein dienen wir, und zu Dir allein flehen wir
um Beistand. | اياك نعبد و اياك نستعين |
| 6. Führe uns auf den rechten Weg, | اهدنا الصراط المستقيم |
| 7. Den Weg derer, denen Du Deinen
erregt haben und die nicht irregegangen sind. | صراط الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ و لا الضَّالِّين |

الله / Allah: الله

در این ترجمه برای کلمه «الله» معادل آلمانی «Allah» در نظر گرفته شده است. «در قرآن کریم در حدود صد اسم برای خداوند آمده است که در واقع صد صفت است که نمونه آن را در همین سوره ملاحظه می‌نمایید: رحمن، رحیم، مالک يوم الدين. ولی هیچ کدام جامعیتی را که نام «الله» دارد ندارند، چون هر کدام از آنها یکی از کمالات او را نشان می‌دهند، ولی این نام نمایانگر ذات مستجمع جمیع صفات کمالیه است» (مطهری ۱۱). بنابراین می‌توان گفت که لغتی مترادف کلمه «الله» که بتوان به جای آن گذاشت، نداریم و هیچ کدام رساننده تمام معنی «الله» نیستند.

رحمن / Gnädig: بخشنده

معادل انتخابی برای کلمه «رحمن»، «Gnädig» به معنای «بخشنده» است. «رحمن که بر وزن فعالان است، دلالت بر کثرت و وسعت می‌کند و می‌رساند که رحمت حق همه جا گسترش پیدا کرده و همه چیز را فرا گرفته است. این گونه رحمت حق استثنا ندارد و این طور نیست که شامل انسان‌ها باشد و غیر انسان را شامل نشود، بلکه سراسر گیتی مشمول رحمانیت حق است» (همان ۱۴). بنابراین معادل به کار رفته برگردان این مفهوم نیست و شاید نتوان واژه‌ای را یافت که دقیقاً همین معنا را برساند، به هر حال واژه آلمانی «Allerbarmer» به معنی: «رحمتگر بر همه چیز» برای واژه «رحمن» مناسب‌تر است.

رحیم / Barmherzig: دلسوز

برای کلمه «رحیم» در ترجمه میرزا بشیرالدین، معادل «Barmherzig» به معنای «دلسوز» انتخاب شده است. «رحیم که بر وزن فعیل است دلالت بر رحمت لاینقطع و دائم حق می‌کند. «رحمن» دلالت بر رحمت واسعة پروردگار می‌کرد و شامل همه موجودات می‌گشت، ولی «رحیم» نوعی از رحمت است که جاودانگی دارد و تنها شامل آن بندگانی است که از طریق ایمان و عمل صالح، خود را در مسیر نسیم رحمت خاصه حق قرار داده‌اند. پس پروردگار یک رحمت عام دارد و یک رحمت خاص» (همان ۱۵). برای این واژه نیز معادلی با این وسعت معنا نمی‌توان یافت. مگر این‌که مترجم بعد از انتخاب معادل، توضیحات لازم را در پاورقی و یا حاشیه ترجمه بیاورد که مترجم چنین کاری را انجام نداده است.

الحمد / Preis: ستایش

معادل انتخابی صحیحی است. همچنین می‌توان از معادل «Lob» نیز استفاده کرد که همان منظور را می‌رساند.

رب / Herr: الله

«درباره کلمه «رب» باید بگوییم واژه‌ای که بتوانیم معادل آن قرار دهیم، نداریم. گاهی به معنای تربیت کننده و گاهی آن را صاحب اختیار ترجمه می‌کنند. در حال هیچ کدام از این کلمات به تنهایی رساننده معنی «رب» نیستند. گرچه هر دو صفت جدا از اوصاف خدا به شمار می‌آیند، ولی گویا در کلمه رب هم مفهوم خداوندگاری و صاحب اختیاری نهفته است و هم

معنای تکمیل کننده و پرورش دهنده» (همان ۲۲).
معادل انتخابی مترجم «Herr» رساننده کامل معنای «رب» نیست. پس بهتر است که مترجم توضیحات لازم را در پاورقی اضافه کند.

عالمین / Welten: عالم‌ها

در این ترجمه به جای کلمه «عالمین»، معادل آلمانی «Welten» به معنای «عالم‌ها» انتخاب شده است. «عالم» به معنی «جهان» از نظر قواعد صرف عربی نمی‌تواند با علامت جمع مذکر سالم «-ین» جمع بسته شود و این واژه، نه جمع عالم، بلکه واژه‌ای خاص و به تعبیر بعضی از مفسران به معنی «ذوی العقول اعم از مردمان و جنیان است» (پاکتچی ۹۷). خداوند در سوره ۲۶، آیات ۲۲ و ۲۳ واژه «رب العالمین» را از زبان موسی (ع) این طور معنا می‌کند:

«قال فرعون و ما رب العالمین»: «فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟»
«قال رب السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین»: «(موسی ع) گفت: پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است اگر اهل یقین باشید».

از این آیات مشخص می‌شود که منظور از «رب العالمین» رب همه مخلوقات است، چه جاندار چه بی‌جان، چه ذوی العقول و چه غیر الذوی العقول. بنابراین تسلط مترجم به مفاهیم قرآن، یکی از شروط ضروری ترجمه قرآن است. مترجم باید برای رفع ابهامات ترجمه‌اش، توضیحات کافی را در پاورقی و یا تعلیقات ترجمه ضمیمه کند. از این رو معادل آلمانی انتخابی نمی‌تواند ترجمه مناسبی برای کلمه «عالمین» باشد.

مالک (مَلک)/ Herrscher: صاحب

معادل انتخابی صحیحی است. این واژه را می‌توان به زبان آلمانی «Besitzer» و یا «König» نیز ترجمه کرد.

دین/ Gericht: دادگاه

«لغویون عرب دو معنای عمده برای کلمه «دین» بیان کرده‌اند. معنای اول، جزا و سزا می‌باشد و معنای دوم حساب است» (انصاری ۱۵۰). شاید معادل آلمانی «Abrechnung» به معنای تسویه حساب نهایی و یا جزا و مکافات برای این واژه مناسب‌تر از «Gericht» باشد.

نعبد/wir dienen: می‌پرستیم

«نعبد» به معنی پرستش‌گر و «نعبد» یعنی پرستش می‌کنیم» (همان ۱۷۱). پس ترجمه واژه صحیح است.

نستعین / um Beistand flehen: عاجزانه کمک خواستن

برای کلمه «نستعین» معادل آلمانی «um Beistand flehen» به معنای «عاجزانه کمک خواستن» در نظر گرفته شده است. کلمه «نستعین» از ماده «استعانت» است که ریشه‌اش عون می‌باشد. واژه عون به معنی یاری است، پس «نستعین» یعنی: «یاری می‌خواهیم» یا «تقاضای یاری داریم». همانطور که می‌بینیم معادل آلمانی به کار رفته افراط در این معناست و عبارت درست آن به زبان آلمانی «um Hilfe bitten» است.

مغضوب / Mißfallen erregt haben: (از کسی) راضی نبودن

در این ترجمه به جای کلمه «مغضوب»، معادل آلمانی «Mißfallen erregt haben» به معنای «(از کسی) راضی نبودن» انتخاب شده است. مغضوب از ریشه «غضب» به معنای خشم است، یعنی «مورد خشم واقع شدن»، بنابراین مترجم معادل درستی به کار نبرده و معادل درست آن «Zorn erregt haben» است.

۶. رعایت ترکیب نحوی آیات در ترجمه

«تردیدی نیست که ساختار کلام، در بیان مقصود گوینده نقشی اساسی دارد، و در ترجمه هر متنی به زبان دیگر، انعکاس ترکیب نحوی دخالت تامی در صحت ترجمه دارد. رعایت این شرط در ترجمه قرآن که کلام خداوند است و به عنوان وحی آسمانی بر پیامبر(ص) نازل شده است، به مراتب مهمتر از ترجمه سایر متون است. بنابراین هر ترجمه‌ای از قرآن که ترکیب نحوی آیات بهتر در آن انعکاس یافته باشد، امتیاز بهتری خواهد داشت» (انصاری ۱۳۷۷، ۱۹). هر چند که در ترجمه احمدیه بعضی از واژه‌ها درست برگردان نشده‌اند، ولی این ترجمه در ارتباط با ویژگی یاد شده بر بسیاری از ترجمه‌های شناخته شده آلمانی زبان رجحان دارد. برای نمونه و نیز برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها به دو مورد بارز در سوره حمد که اکثر مترجمان را به اشتباه انداخته است، اشاره می‌شود.

در آیه پنجم سوره حمد آمده است: «ایاک نعبد و ایاک نستعین». نکته‌ای که در این آیه

وجود دارد، انحصار و حصر عبودیت است. «در کلام عرب می‌گویند: «تقدیم ما حقه التأخیر یفید الحصر و التأكيد» یعنی تقدیم و جلو آوردن هر چیزی که جایگاهش مؤخر است، مفید انحصار و تأکید در کلام است، بنابراین با تقدم مفعول در این آیه تعبیر انحصار و حصر عبودیت استفاده می‌شود: «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم» (فقط و فقط تو و نه هیچ کس دیگری)» (انصاری ۱۳۸۳، ۱۷۰). در ترجمه میرزا بشیرالدین این نکته به خوبی رعایت شده است:

"Dir allein dienen wir, und zu Dir allein flehen wir um Beistand"

مورد دیگر آیه هفتم سورة حمد است:

«صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين»

«در این آیه کلمه «غیر» بدل از ضمیر «هم» در «عَلَيْهِمْ» است، بنابراین گروه «انعمت عليهم» نه مغضوبند و نه ضالین، نه این که سه گروه در عرض هم تصور شوند که ما مشمول گروه اول بشویم، ولی مشمول گروه دوم و سوم نشویم؛ بلکه مراد این است که ما مشمول گروه «انعمت عليهم» شویم؛ همان گروهی که ویژگی‌های گروه دوم و سوم در آن راه ندارد» (کوشا ۱۷). در ترجمه حاضر این نکته نیز رعایت شده است:

"Den Weg derer, denen Du Deinen Segen gewährt hast, die nicht (Dein) Mißfallen erregt haben und die nicht irregegangen sind."

«راه کسانی که مورد رحمت خود قرار دادی، همانانی که در خور نارضایتی تو نیستند و نه گمگشتگان»

همانطور که می‌بینیم اگر مترجم در انتخاب معادل‌ها نیز دقت کافی می‌کرد، ترجمه‌ای کامل‌تر به این صورت ارائه می‌داد:

"den Weg derer, denen Du Gnade erwiesen hast, und die weder vom Zorn (Allahs) geplagt werden noch abgeirrt sind."

«راه کسانی که برخوردارشان کردی (مشمول نعمت خود ساختی)، همانانی که نه در خور خشمند و نه گمگشتگان».

۷. نقاط قوت

یکی از نقاط قوت این ترجمه، قرار گرفتن متن عربی قرآن در کنار ترجمه است. «با این روش، خواننده می‌تواند در صورت مواجه شدن با هر گونه اشکال به متن عربی مراجعه کند و

این توهم نیز پیش نیاید که ترجمه می‌تواند جای قرآن را بگیرد» (معرفت ۲۰۰). در این ترجمه آیات به طور صحیح شماره‌گذاری شده‌اند. و ترجمه هر آیه درست از اول سطر آغاز می‌شود. این روش باعث می‌شود که خواننده آیه مورد نظر خود را به راحتی و بدون جستجو بیابد.

۸. نقاط ضعف

در مقدمه‌ای مشروح، کتاب‌های دیگر ادیان مورد تمسخر و استهزا قرار گرفته‌اند و سپس به تعریف و تمجید از اسلام و قرآن پرداخته شده است. در ذیل عنوان سوره و نیز مقدمه درباره جنبش احمدیه و نیز عقاید خرافی مربوط به آن نیز تبلیغ شده است. همانطور که در بخش برابر گزینی / معادل‌یابی آمده است، تعداد آیات سوره در ابتدای ترجمه نوشته نشده است.

نام سوره‌ها نیز به آلمانی ترجمه نشده‌اند و فقط به آوردن نام عربی آن اکتفا شده است. بعضی از عبارات و واژه‌های قرآنی نیازمند توضیح‌اند، زیرا معادلی که معنای کامل آنها را برساند، یافت نمی‌شود و این ترجمه فاقد توضیحات در این زمینه است. مترجم در مقدمه شیوه کار خود را توضیح نداده و نیز عنوان نکرده است که آیا از تفاسیر اسلامی در ترجمه‌اش بهره گرفته است یا نه.

نتیجه

در بررسی ترجمه قرآن میرزا بشیرالدین محمود احمد که با استناد به سوره حمد صورت گرفته است، متوجه استفاده ابراری مترجم از مقدمه برای اشاعه عقاید و افکار فرقه قادیانیه می‌شویم. این نکته در ذیل عنوان سوره نیز به چشم می‌خورد. طولانی بودن مقدمه، عدم ارتباط آن با ترجمه و استفاده تبلیغاتی از آن، باعث سلب اعتماد خواننده از صحت ترجمه می‌شود. زیرا یکی از شرایط اصلی مترجم قرآنی آن است که خود را از هر گونه خواست‌های درونی که ساخته محیط یا باورهای تقلیدی اوست، آزاد سازد.

در بررسی معادل‌های انتخابی مترجم، متوجه این نکته می‌شویم که برای بعضی از واژه‌ها و عبارات غامض قرآنی نمی‌توان معادلی یافت که معنای کامل را برساند، در این گونه موارد بهتر است مترجم توضیحات لازم را در پاورقی و یا تعلیقات ترجمه ذکر کند. بررسی ترکیبات نحوی و ساختار کلام ترجمه نشان داد که مترجم به زبان عربی مسلط

است. هرچند که تسلط مترجم قرآن به زبان مبدأ و مقصد شرطی لازم قلمداد می شود، اما کافی نیست. کمک گرفتن از تفاسیر معتبر اسلامی و دانشمندان علوم قرآنی و نیز مطالعه ترجمه‌های پیشین به منظور پرهیز از اشتباهات آنان و استفاده از نقاط قوت این ترجمه‌ها می‌تواند کیفیت ترجمه قرآن را بهبود بخشد.

Bibliography

- Ahmad, M. B. M. (1954). *Der Heilige Quran*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz Verlag.
- Ameli, S. Z. (1378/1999). *Alghadyanieh*. (Qadyanism). Ghom: Markaz Alghadir Lederasat -al-Eslami.
- Ansari, M. (1377/1998). *Naghad va Barresiye Tarjomeye Shah Valiolah Dehlavi*. (A Review and Criticism of the Translation of Shah Valiolah Dehlavi). Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Ansari, M. (1383/2004). *Tafsire Sureye Mobarakeye Hamd* (Interpretation of the Holy Surah of Hamd). Mashhad: Ferdowsi University Publications.
- Farmaniyan, M. (1382/2003). *Ghadyanieh* (Qadyanism). Ghom: Haft Aseman Magazine.
- Kusha, M. (1382/2003). *Tarjomeye Tafsiri Feizolislam az Qorane Karim* (Feyzoleslam's Interpretive Translation of the Holy Quran). Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Marefat, M. H. (1383/2004). *Tarikhe Qoran*. (History of the Holy Quran). Tehran: Samt Verlag.
- Mohammad Abu Shaeesha, M. (1382/2003). *Barresiye Fatwaye Eashid Reza dar Murede Tarjomeye Qorane Majid*. (A Review of Rashid Reza's Decrees about Translation of the Holy Quran-e- Majid). Trans. Abbas Emam, Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Motahari, M. (1384/2005). *Ashnai ba Qoran* (Getting Familiar with the Holy Quran). Tehran: Sadra Publications.
- Pakatchi, A. (1377/1998). *Gozareshi Kutah darbareye Tarjomehaye Qoran be Zabane Rusi* (A Short Report on the Russian Translations of the Holy Quran). Ghom: Tarjomane Vahy Publications.
- Rabani Golpayegani, A. (1385/2006). *Feragh va Mazahebe Kalami* (Various Rhetorical Sects and Religions). Ghom: Universal Center for Islamic Sciences.
- Smith, W.C. (1995). *Ahmadiyya, in the Encyclopaedia of Islam*. Leiden: E.J. Brill.